مورخ ۵ یا ۶ جوالی ١٩١٢ در منزل مبارک درنیویورک: درباره شرایط لازمه برای کسب حیات ابدی ملکوتی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۵ یا ۶ جوالی ١٩١٢ در منزل مبارک درنیویورک: درباره شرایط لازمه برای کسب حیات ابدی ملکوتی[[1]](#footnote-1)

#### (خطابات جلد دوم، ص. ۱۷۰-۱۷۵)

هُواللّٰه

انسان در عالم وجود طی مراتب کرده است تا به عالم انسانی رسيده است. در هر رتبه استعداد صعود برتبهٔ ما فوق پيدا کرده است. در عالم جماد بوده، استعداد ترقّی برتبه نبات پيدا کرده، لهذا بعالم نبات آمده. در عالم نبات استعداد ترقّی به عالم حيوان حاصل نموده، لهذا به عالم حيوان آمده و از عالم حيوان به عالم انسان آمده. در بدايت حياتش، انسان در عالم رحم بود و در عالم رحم، استعداد و لياقت و ترقّی به اين عالم حاصل کرد و قوائی که در اين عالم لازم بود، در آن عالم تحصيل نمود. چشم لازم داشت در اين عالم، در عالم رحم حاصل نمود. گوش لازم داشت در اين عالم در عالم رحم پيدا کرد. جميع قوائی که در اين عالم لازم بود، در عالم رحم تحصيل کرد. در عالم رحم مهيّای اين عالم شد و به اين عالم که آمد ديد که جميع قوای لازمه مهيّا است جميع اعضا و اجزائی که از برای اين عالم حيات لازم دارد در آن عالم حاصل نموده. پس در اين عالم نيز بايد تهيّه و تدارک عالم بعد را ديد و آنچه در عالم ملکوت محتاج بايد تهيّه و تدارک آن در اينجا بيند همچنانکه در عالم رحم قوائی که در اين عالم محتاج به آن است پيدا نمود همچنين لازم است که آنچه در عالم ملکوت لازم يعنی جميع قوای ملکوتی را در اين عالم تحصيل بکند. در عالم ملکوت بعد از انتقال از اين عالم به آن عالم، محتاج به چه چيز است و محتاج به چه قوائی است؟ چون آن عالم عالم تقديس است، عالم نورانيّت است، لهذا لازم است که در اين عالم تحصيل تقديس و نورانيّت کنيم و آن نورانيّت را بايد در اين عالم حاصل کنيم. و در آن عالم، روحانيت لازم، آن روحانيت را بايد در اين عالم تحصيل نمائيم. در آن عالم، ايمان و ايقان و معرفت اللّه و محبّت اللّه لازم، جميع را بايد در اين عالم تحصيل کرد تا بعد از صعود از اين عالم به آن عالم باقی، انسان ببيند جميع آنچه لازم آن حيات ابدی است، حاصل نموده است. واضح است که آن عالم عالم انوار است، لهذا نورانيّت لازم است. آن عالم عالم محبّت اللّه است لهذا محبّت اللّه لازم است. آن عالم عالم کمالات است، لهذا بايد در اين عالم تحصيل کمالات کرد. آن عالم عالم نفثات روح القدس است، در اين عالم بايد درک نفثات روح القدس نمود. آن عالم عالم حيات ابدی است، در اين عالم بايد حيات ابدی حاصل نمود.

انسان به تمام همّت بايد اين مواهب را تحصيل نمايد و اين قوای رحمانی را به اعلی درجه کمال بايد به دست آورد و آن اين است: اوّل معرفت اللّه، ثانی محبّت اللّه، ثالث ايمان، رابع اعمال خيريه، خامس جانفشانی، سادس انقطاع، سابع طهارت و تقديس. و تا اين قوی را پيدا نکند و اين امور را حاصل ننمايد، البتّه از حيات ابديّه محروم است. امّا اگر به معرفت اللّه موفق گردد و بنار محبّت اللّه مشتعل شود و مشاهده آيات کبری کند و سبب محبّت بين بشر شود و در کمال طهارت و تقديس باشد، البتّه تولّد ثانی يابد و به روح القدس تعميد گردد و حيات ابديّه مشاهده کند. سبحان اللّه تعجّب اينجا است که خدا جميع بشر را به جهت معرفت خود خلق نمود، به جهت محبّت خود خلق نمود، به جهت کمالات عالم انسانی خلق نمود، به جهت حيات ابديّه خلق نمود، به جهت روحانيت الهی خلق نمود و بجهت نورانيّت آسمانی خلق نمود؛ با وجود اين، بشر از جميع غافل، معرفت هر چيزی را تحرّی می نمايد، جز معرفت اللّه. می خواهد بفهمد که در اسفل درجات زمين چه چيز است نهايت آرزو را دارد شب و روز ميکوشد که بفهمد در زير زمين چه چيز است، توی اين سنگ چه چيز است، زير اين خاک چه چيز است؛ به جميع قوی می کوشد و به نهايت مشقت سعی می کند تا کشف سرّی از اسرار خاک کند، امّا ابداً در فکر آن نيست که از اسرار ملکوت مطّلع شود، در عالم ملکوت سير کند، بر حقائق ملکوت اطّلاع يابد، کشف اسرار الهی کند و به معرفت اللّه برسد و مشاهده انوار حقيقت کند و به حقائق ملکوتيه پی برد. ابداً در اين فکر نيست، ولی با اسرار ناسوت چه قدر منجذب است، امّا از اسرار ملکوت بکلّی بی خبر است، بلکه از اسرار ملکوت بيزار است. چه قدر اين جهل است، چه قدر نادانی است، چه قدر سبب ذلّت است. مثل آن است که انسان يک پدر مهربانی داشته باشد که از برای او کتب نفيسه مهيّا نموده تا به اسرار عالم کون مطّلع گردد، زينت و راحت و آسايش و نعمت مهيّا نموده، لکن پسر از مقتضای طفوليت و بی ادراکی، از جميع اينها چشم پوشيده و در کنار دريا تعلّق به ريگ ها يابد و به ملاعب اوقات خود را بگذراند و از جميع اين مواهب که پدر برای او مهيّا نموده، دوری جويد. چقدر اين طفل نادان است چه قدر اين طفل جاهل است. پدر از برای او عزّت ابديّه خواسته و او به ذلّت کبری راضی. پدر از برای او قصر ملکوتی مهيّا نموده، و لکن او بخاک بازی مشغول. پدر از برای او خلعتی از حرير دوخته، و لکن او برهنه راه می رود. پدر از برای او اعظم موائد و لذيذترين نعمت ها حاضر نموده و لکن او عقب گياه تباه می دود.

باری شما الحمد للّه ندای ملکوت شنيديد و چشمهای خود را گشوديد، توجّه به خدا نموديد. مرادتان رضای الهی، نهايت آمالتان معرفت الهی، مقصودتان اطّلاع به اسرار ملکوت و افکارتان حصر در کشف حقائق حکمت الهيّه. شب و روز فکر کنيد و بکوشيد و تحرّی نمائيد تا به اسرار خلقت الهی موفق گرديد و به دلائل الوهيّت مطّلع شويد و به يقين معرفت پيدا کنيد که اين عالم را موجدی هست، خالقی هست، محيی هست رازقی هست، مدبّری هست؛ لکن به دلائل و براهين، نه بمجرّد احساسات بلکه، به براهين قاطعه و دلائل واضحه و کشف حقيقی، يعنی مشاهده موفق گرديد. آفتاب را چگونه مشاهده می کنيد؟ آيات الهی را چنين مشاهده عينی لازم. و همچنين به معرفت مظاهر مقدّسهٔ الهيّه پی بريم. بايد مظاهر مقدّسه الهيّه را به دلائل و براهين عارف شويد. و همچنين تعاليم مظاهر مقدّسه الهيّه را بايد اطّلاع يابيد، اسرار ملکوت الهی را بايد مطّلع شويد. بايد حقائق اشياء را کشف کنيد تا مظهر الطاف الهی شويد و مؤمن حقيقی گرديد و ثابت و راسخ در امراللّه.

الحمد للّه ابواب معرفت اللّه را حضرت بهاء اللّه گشوده و از برای کلّ تأسيسی فرموده تا به جميع اسرار ملک و ملکوت مطّلع شويد و نهايت تأييد را نموده. او است معلّم ما، او است ناصح ما، او است رهبر ما، او است شبان ما. جميع الطاف خويش را مهيّا نموده، عنايتش را مبذول داشته، هر نصيحتی را از برای ما نموده، هر تعليمی را از برای ما بيان کرده. اسباب عزّت ابديّه برای ما مهيّا کرده، نفثات روح القدس از برای ما حاضر نموده، ابواب محبّت الهی را به روی ما باز کرده. انوار شمس حقيقت بر ما تابيده، ابر رحمت بر ما باريده، بحر الطاف بر ما موج زده، بهار روحانی آمده فيوضات نامتناهی الهی جلوه نموده، ديگر چه موهبتی است اعظم از اين چه الطافی است اکبر از اين؟ بايد قدر اين را بدانيم و به موجب تعاليم حضرتش عمل نمائيم تا کلّ خير از برای ما حاصل گردد، در دو جهان عزيز شويم و نعمت ابديّه را بيابيم و لذّت محبّت اللّه را بچشيم و اسرار معرفت اللّه را درک کنيم و موهبت آسمانی را ببينيم و قوّه روح القدس را مشاهده کنيم. اين است نصيحت من، اين است نصيحت من.



1. خطابه در بيت مبارک - نيويورک ٥ جولای ١٩١٢ (شب) ٢١ رجب ١٣٣٠

شرح در بدايع الآثار ج ۱ ص ١٤٨ [↑](#footnote-ref-1)